

نگاهی به:

انتخابات اخیر رژیم  
و مواضع اصداد مقاومت ایران

خرداد ۱۳۷۶

## اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت ایران

### پیرامون نتایج انتخابات ریاست جمهوری رژیم آخوندی

هموطنان عزیز

در خامنه‌نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم آخوندی، حقایق مسلم و بسیار مهمی دربارهٔ وخامت اوضاع رژیم ولایت فقیه و برهم خوردن تعادل درونی آن بر ملا میشود که مبین تغییر دوران و فرارسیدن مرحله تعیین سرنوشت و عبور حاکمیت از یک نقطه عطف سیاسی است. هر چند که اعلام نتایج انتخابات با هیاهو و تبلیغات کرکننده و همچنین دعاری شداد و غلاظ خامنه‌ای درباره استحکام و پیروزی نظام رنگ آمیزی شده و پاره‌ای طرف حسابهای بین‌المللی هم حسب‌المعمول 'بازارگرمی' می‌کنند، اما هیچک از اینها نمیتواند بر واقعیات پرده بیافکند و از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر زورآزمایی اخیر و جنگ درونی گرگها در فاز پایانی حاکمیتشان جلوگیری کند. ذیلاً مهمترین نکات شایان توجه را به استحضار عموم هم میهنان میرسانم:

۱ - بر اساس گزارشها و ارزیابی‌های ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور که حاصل بررسی حضوری در حوزه‌های انتخاباتی تهران و بیش از ۱۰۰ شهر دیگر است، علیرغم تهدید و تطمیع و همه‌تدابیر و تبلیغات ملایان، فقط حدود ۱۶٪ از ۳۹ میلیون نفر دارندگان حق رأی در انتخابات ریاست جمهوری رژیم شرکت کرده‌اند. اما رژیم که آشکارا جمعیت کشور را بر خلاف آمار و ارقام اعلام شده قبلی حدود ۶۰ میلیون و دارندگان حق رأی را حدود ۳۳ میلیون نفر اعلام کرده بود تا بدین وسیله قسمتی از بار تحریم انتخابات و کمبود درصد شرکت‌کنندگان را پوشانند، اکنون مدعی است که بیش از ۸۸٪ دارندگان حق رأی در سراسر کشور (۲۹ میلیون نفر) در انتخابات شرکت کرده‌اند. به قرار اطلاع خامنه‌ای و رفسنجانی برای حفظ 'آبروی نظام' بر سر افزایش آمار و ارقام شرکت‌کنندگان به میزان ۴۰ الی ۵ برابر\* توافق کرده بودند. توافق سران رژیم برای افزایش نجومی آمار شرکت‌کنندگان مشخصاً در واکنش نسبت به حمایت اکثریت ملت از رئیس‌جمهور برگزیده این مقاومت در رأس تنها جایگزین دمکراتیک صورت گرفته است. دعاری دروغین مربوط به مشارکت گسترده 'زنان و جوانان' نیز در همین راستاست.

۲ - شگفتا که رژیم مدعی است در تهران بیش از ۹۲٪ از دارندگان حق رأی در انتخابات شرکت کرده‌اند! در حالیکه در ستاد انتخابات وزارت کشور همه میدانند که هرگز به این میزان برگ اخذ رأی در شهر تهران توزیع نشده است. برای مثال در منطقه ۲ تهران مجموع برگ‌های توزیع شده ۱۳۰ هزار بوده است. این منطقه که یکی از مناطق ۲۰گانه تهران است حدود ۵٪ جمعیت شهر را در بر میگیرد و میزان برگ‌های توزیع شده دقیقاً معادل برگ‌های مربوط به انتخابات مجلس ارتجاع در اواخر سال ۷۴ است. نتیجه اینکه کل برگ‌های توزیع شده در شهر تهران ۲٫۶ و یا حداکثر ۳ میلیون میتواند باشد و ادعای اینکه بیش از ۴ میلیون و یکصد و هفتاد هزار نفر در تهران رأی داده‌اند کذب محض است. بخصوص که خود رژیم در انتخابات قبلی مجلس ارتجاع سقف آراء تهران را (با همه تقلبات) حدود یک میلیون اعلام کرده بود. بگذریم که اینبار هم انبوهی از برگ‌های توزیع شده بصورت سفید به ستاد مرکزی انتخابات برگردانده شده است.

مثال دیگر مربوط به قائمشهر است. برای شهرستان قائمشهر (با جمعیت ۲۴۵،۳۲۷) ۱۶۰ هزار برگه اخذ رأی فرستاده‌اند. اما تعداد دقیق شرکت‌کنندگان در خود شهر که حدود ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد، ۱۴،۴۰۰ نفر است. البته شمار قابل توجهی آراء باطله و همچنین آرائی که اساسی غیر از کاندیدانهای رژیم روی آن نوشته شده وجود دارد.

بررسی کلیه صحنه‌های تلویزیونی مربوط به انتخابات و مراجعه به حوزه‌های رأی‌گیری، اعم از فیلمهای پخش شده توسط رژیم یا تلویزیونهای خارجی نیز بخوبی نشان‌دهنده این حقیقت است که ادعای ۲۹ میلیون\* رژیم مطلقاً عاری از حقیقت است و صف‌های انتخابات و اخذ رأی بسیار بسیار محدود و قابل شمارش است. اگرچه باز هم در ستاد مرکزی انتخابات همه می‌دانند که اینبار به حمد حوزه‌های تهران را از سه هزار حوزه به حدود دو هزار حوزه اخذ رأی کاهش دادند تا بتوانند صحنه‌های ازدحام و صف‌های مترکم (برای نمایش به طرف حسابهای غربی) ایجاد کنند. اما برغم این تشبیهات، یک خبرنگار تلویزیون جهانی بی‌بی‌سی در تهران از صحنه گزارش می‌کرد که 'مشکل میشود گفت (تعداد رأی‌دهندگان زیاد است). رأی‌گیری خیلی کند شروع شد... مردم کند بودند'. و خبرنگار دیگری می‌افزود ازدحامی وجود ندارد و 'ازدحام کلمه درستی نیست'.

علاوه بر این رژیم خودش در پایان کار اعلام کرد که ناگزیر بخاطر 'غیبت کشاورزان و... رأی‌گیری را دو ساعت تمدید

میکنند.

۳ - نمونه شایان توجه دیگر مجموعه آراه اخذ شده در خارج کشور است که رژیم آن را رسماً ۸۳۱/۶۷ برگ رأی اعلام کرده است. از آنجا که دست ایادی رژیم برای تقلب و رقم سازی در خارجه خیلی باز نیست، رقم ناپییز اعلام شده بعنوان مشتی از خروار، هم مبین رقم سازهایی نجومی داخل کشور و هم گویای مشت محکم تحریم توسط هموطنانمان در خارج کشور می باشد.

۲ - معلوم نیست اگر بیش از ۸۸ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت میکنند دیگر رژیم چرا باید ۲۷۰ هزار تن از قوای سرکوبگر خود را بنا به تصریح خودش برای کنترل حوزه های انتخاباتی به حالت آماده باش دریاورد. همچنین از آخوندها باید پرسید که وقتی در تهران ۹۲٫۲ درصد حمایت دارید، علت حذف ۲۳۴ کاندیدای دیگر که اغلب از مزدوران معلوم الحال بودند چه بود؟ وانگهی چه ترسی دارید که بخت خود را در یک انتخابات آزاد ریاست جمهوری بر اساس حق حاکمیت مردم و تحت کنترل ملل متحد (که مقاومت ایران با مطرح کردن آن شما را در عرصه داخلی و بین المللی شدیداً در تنگنا قرار داده و بر همین اساس علم مشروعیته شما را به اثبات رسانده است) به آزمایش نمی گذارید؟!

۵ - اما در ورای همه رقم سازهایی نجومی، باند غالب رژیم در جریان انتخاباتی که خود متولی آن بود، در برابر تنفر و نارضایتی شدید درونی و بیرونی غافلگیر شد و به نحو غیرمنتظره با خوردن 'هم چوب و هم پیاز'، سخت شکست خورد. همه ناظران و همه مفسران بالاتفاق بر این هستند که آنچه خاتمی بدست آورده است قبل از هر چیز 'یک اختراع به حاکمان'، 'رأی مخالفت به حاکمیت در ایران امروز'، 'رأی تنفر' و 'رأی اعتراض'، حتی از داخل رژیم است. بازار گرمی برخی رسانه های خارجی نیز آنچنانکه آسوشیتدپرس اشاره کرده است آشکارا بخاطر جستجوی 'یک آکترناتیو در مقابل ملاهایی که از سال ۱۹۷۹ در ایران حکومت کرده اند' بود و اینکه 'خاتمی را بعنوان یک روحانی طرفدار غرب که به اندازه کافی به انقلاب متعهد نیست، معرفی کرده اند'. البته خبرگزاری فرانسه از قول یکی از شرکت کنندگان در انتخابات گزارش کرد که فرقی بین هیچکدام از کاندیداها نیست و 'هیچیک از آنها کاری برای ما نخواهند کرد ولی میخوایم به این ترتیب نارضایتی خود را (در اعتراض به رژیم) نشان بدهم'.

۶ - اما تا آنجا که به شخص خاتمی برمیگردد، وی مطابق بیوگرافی منتشر شده در شماره ۲۹ مرداد ۱۳۶۸ روزنامه ابرار طلبه ای بوده که 'در قم مقدمات و قسمتهایی از سطح' را حین تحصیلات دبیرستانی فرا گرفته و بعد هم به خدمت سربازی رفته و 'بین سالهای ۵۰ تا ۵۷ نیز چند بار به قم' رفته است. در ابتدای ۵۷ بدعوت بهشتی سری به هامبورگ زده و سپس در زمان خمینی بعنوان نماینده اردکان به مجلس ارتجاع رفته است. در سال ۵۹ از سوی خمینی مؤسسه کیهان را اشغال و متعاقباً به مدت ۱۰ سال وزیر 'ارشاد' و سانسور دروغ و دجالیت رژیم و سهیم همه جرائم و جنایات و شکستها و قتل عام زندانیان بوده است. این فرد همان کسی است که بعنوان وزیر ارشاد رژیم آمار کشته های جنگ ضد میهنی در طرف ایران را فقط ۲۲۰، ۱۲۳' (با بیش از ۸ برابر کاهش وقیحانه) اعلام کرد. هم او بود که بعنوان وزیر ارشاد در سال ۷۰ در راستای صدور تروریسم و ارتجاع میگفت 'حالا حالاها ما از دشمنان عقب هستیم. . . . قدرت توازنی ما نیروی تازه تولد یافته اسلامی و بیدار شده و آماده فداکاری در سراسر دنیاست. نظام جمهوری اسلامی در صورتی می ماند که پشتوانه اش همان نیروی جهانی باشد. در الجزایر حرکت اسلامی جدی است، روی سودان میشود حساب کرد، مراکز جدیدی از قدرت در جهان اسلام دارد شکل میگیرد. نیروهای بالنده اسلامی در دنیا زیاد است و ما باید روی این مسئله بطور جدی حساب باز کنیم.' (رسالت ۷۰/۴/۱۶).

علاوه بر این خاتمی تصریح کرده بود که 'وقتی استراتژی (امیت ملی جمهوری اسلامی) را تدوین میکنیم به کجا نگاه میکنیم؟ آیا نگاه میکنیم به حفظ تمامیت سرزمینمان یا به رشد؟ آیا نگاه میکنیم به 'بسط' یا به 'حفظ'؟ ما باید به 'بسط' نگاه کنیم.' واضح است که این 'بسط' که مترادف با حفظ چفت و بست های رژیم است چیزی جز صدور تروریسم و ارتجاع و بنیادگرایی و جنگ افروزی معنی نمیدهد.

نابریده از خط امامی های دو آتش آن روزگار بود که اکنون به مقتضای زمان پالان 'مدره' پوشیده و غافل از این است که مردم ایران بخوبی میدانند که سگ زرد برادر شغال است! به نظر میرسد از وقتی که هموطنانمان در سفر آلمان در شهریور سال ۷۰ با تخم مرغ گندیده از ایشان به عنوان وزیر ارشاد آخوندی پذیرایی کردند، چشمش به 'حقوق بشر' و 'قانون' و 'آزادی احزاب' باز شده که البته در هر حال مبارک است! یعنی بر عهده رئیس جمهور جدید ارتجاع است که ولو به اندازه یک قطره آزادی و قانون و حقوق بشر در رژیم ولایت وارد نماید و از اعدام و شکنجه و زندان و قلم شکن و لب دوختن و دست بریدن و چشم از حدقه درآوردن فقط یک قدم عقب بنشیند تا ببیند مردم چه بروز 'نظام مقدس جمهوری اسلامی' می آورند. مقاومت ایران هم دقیقاً همین را میخواهد

و از هر قطره آزادی و از هر قدم عقب نشینی جلادان به غایت استقبال میکند چرا که بالمآل موجب سرنگونی رژیم در تمامیت آن و استقرار جایگزین دمکراتیکی است که به برخورداری از حمایت اکثریت قاطع مردم ایران اطمینان دارد.

۷ - صرفنظر از ضریب افزایشی ۴-۵ برابر بر تعداد آراء شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری ارتجاع، بر اساس نتایج اعلام شده، تعادل درونی رژیم ۳ بر ۱ علیه باند حاکم یعنی آخوندهای بازاری غارتگر که در کانون ولایت فقیه قرار دارند، چرخیده است. این واقعیت بحران و گستگهی کل حاکمیت آخوندی را در دعوای گرگها (بین آخوندهای بازاری غارتگر و آخوندهای وابسته گرا) را قویا دامن میزند و سیر تحولات را شتاب میبخشد.

۸ - نتیجه انتخابات پرروشی ثابت کرد که ابعاد ضعف و تزلزل رژیم نامشروع آخوندی که اینچنین در برابر تنفر بیرونی و ناراضیاتی شدید درونی اش دستخوش تغییر تعادل گردید، بسا فراتر از همه محاسبات و پیش بینی های قبلی است. اکنون هیچکس نمیتواند منکر دوران جدید و فرارسیدن مرحله تعیین سرنوشت بین مردم و مقاومت ایران با استبداد پوسیده مذهبی گردد. خوشبختانه مقاومت ایران در این مرحله دست پیش داشته و چنانکه در انتاحیه اجلاس اخیر شورای ملی مقاومت در ابتدای اسفندماه گذشته به استحضار رساندم 'رئیس جمهور برگزیده شورا بعد از احراز اکثریت به کنار مرزهای میهنش آمده است و رفسنجانی رئیس جمهور رژیم ولایت فقیه، دارد می رود. باید که برود، بعد هم نوبت تمامی رژیم است'.

۹ - اکنون ۸ سال پس از مرگ خمینی، با برهم خوردن تعادل درونی رژیم، دیگر قفل کردن اوضاع و مهار تحولات در برابر مقاومت امکا پذیر نیست. واضح تر باید گفت: تعادل درونی رژیم، بسا فراتر از انتظار کسانی مانند خود من که فکر میکردند خامنه ای میتواند و باید برای 'حفظ نظام' ناطق نوری را به هر قیمت در مسند ریاست جمهوری رژیم بنشاند (و این را خودش بارها خاطر نشان کرده بود) در هم ریخته و در دوران جدید اوضاع از هر طرف که بچرخد، بطور مضاعف بسود مردم و مقاومت ایران است.

۱۰ - واضح است که با برهم خوردن تعادل درونی رژیم، فیل اصحاب استحاله و مذاکره و استمالات و مماشات و صاحبان منافع بین المللی و بقایای ایران گیت مجدداً بیاد هندوستان میانه رو شدن رژیم خواهد افتاد. اما از آنجا که باز هم بر خلاف توهمات فرصت طلبان و خوش خیالان داخلی و بین المللی امکان استحاله رژیم ولایت فقیه وجود ندارد، کنترل اوضاع درونی، پس از همه نوسانات ممکن و متصور، جز با ماجراجویی و صدور بحران میسر نیست. سه سره شدن رژیم در جریان انتخابات ریاست جمهوری اش، آنرا در تمامیت خود بشدت تضعیف و متزلزل کرده و برنده اول بالمآل مقاومت مردمی و تنها جایگزین دمکراتیک - شورای ملی مقاومت ایران - است.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۳ خرداد ۱۳۷۶

## مقاومت ایران

### رقم‌سازیهای آخوندها

#### در مورد نمایش انتخابات رافشا کرد

انتشار اطلاعیهٔ مسئول شورای ملی مقاومت در بارهٔ نتایج انتخابات ریاست جمهوری رژیم آخوندی در روز سوم خرداد و انعکاس وسیع آن در رسانه‌های جهان، راه را بر دروغگویی بزرگ آخوندها بست. هدف سردمداران رژیم از ارائهٔ رقم‌های خودساختهٔ نجومی پوشاندن وضعیت خراب درونی شان و مقابله با محبوبیت وسیع مردمی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در میان مردم ایران بود که به این ترتیب افشا و رسوا شد. گرچه اعلام این ارقام نجومی که براساس توافق سران جناح‌های جنایتکار آخوندی برای مقابله با مقاومت ایران، با استفاده از ضربی ۵ تهیه شده بودند، به قول مسئول شورا «با هياهو و تبلیغات کرکننده و هم‌چنین دعاری شداد و غلاظ خامنه‌ای در بارهٔ استحکام و پیروز نظام رنگ‌آمیزی شده و پاره‌یی طرف‌حسابهای بین‌المللی هم حسب‌المعمول «بازارگرمی» می‌کردند»، اما افشای این ارقام توسط مسئول شورا، بر مبنای آمار و ارقامی که از نظارت گستردهٔ نیروهای مقاومت در روز برگزاری نمایش انتخابات بر حوزه‌های انتخاباتی تهران و بیش از ۱۰۰ شهر دیگر به دست آمده بود، از سوی رسانه‌ها مورد استقبال قرار گرفت و همهٔ این «هياهو» و «بازارگرمیها» را قویاً مورد تردید قرار داد. خیرگزاریها اعلام کردند که گرچه دولت ایران اعلام می‌کند که ۸۰ درصد مردم به پای صندوق‌های رأی رفتند، اما مقاومت ایران آن‌را تکذیب می‌کند و می‌گوید که ۸۰ درصد مردم ایران پای صندوق‌های رأی نرفتند و تنها حدود ۱۶ درصد از واجدان شرایط در رأی‌گیری شرکت کردند. خیرگزاریها و رسانه‌های جهان هم‌چنین سایر ارقامی را که مسئول شورا ارائه داده است، گزارش کرده و مورد توجه قرار داده‌اند. از جمله افشای این که رژیم با پایین آوردن آمار کل جمعیت، رقم واجدان شرایط را از ۳۹ میلیون به ۳۳ میلیون تقلیل داده تا بتواند درصد شرکت‌کنندگان را بالاتر ببرد و این که رژیم حدود هزار حوزهٔ رأی‌گیری تهران را حذف کرده تا جمعیت شرکت‌کننده در سایر حوزه‌ها بیشتر بنماید، مورد توجه و تأکید رسانه‌ها قرار گرفته است. در زیر چند نمونه از این انعکاسها را از نظراتان می‌گذرانیم:

شورای ملی مقاومت ایران شرکت عظیم مردم را در انتخابات تکذیب می‌کند  
خبرگزاری کروئوس،

۲ خرداد ۱۳۷۶

به گفتهٔ دولت (ایران)، انتخابات ریاست جمهوری با استقبال بسیار زیاد مردم در پای صندوق‌های رأی‌گیری مواجه شد، یعنی حدود ۸۰ درصد از مردم در این انتخابات شرکت کردند. اما اپوزیسیون تبعیدی این گفته را تکذیب می‌کند و می‌گوید ۸۰ درصد مردم به پای صندوق رأی نرفتند. مقام‌های جمهوری اسلامی ساعت کار صندوق‌های رأی‌گیری را به مدت چهار ساعت - از ساعت ۱۸ تا ۲۲ - تمدید کردند. علیرضا تابش، معاون وزیر کشور، اعلام کرد که «مردم هم‌چنان به پای صندوق‌های رأی می‌روند». برای انتخاب‌جانشین علی‌اکبر رفسنجانی - که قانون اساسی شرکتش را در انتخابات ریاست جمهوری برای سومین بار منع کرده است - در حدود ۲۳ میلیون واجد شرایط رأی‌دادن به شرکت در ۳۳۴۰۰ حوزهٔ رأی‌گیری دعوت شده‌اند. به گفتهٔ اپوزیسیون تعداد کسانی که حق رأی دارند ۳۹ میلیون نفر می‌باشند.

۲۰۰ هزار سرباز از این حوزه‌ها محافظت می‌کنند...

به گفتهٔ شورای ملی مقاومت ایران، اپوزیسیون تبعیدی ضد خمینی - که ادعا دارد ۲۵۰۰ حوزهٔ رأی‌گیری را در ۱۰۰ شهر بررسی کرده است - شرکت مردم در این انتخابات فرمایشی به نحو بسیار چشمگیری پایین بوده است و تنها ۵/۶ میلیون نفر - ۱۷ درصد از کل کسانی که حق رأی دارند - در آن شرکت کردند. یعنی، «اکثریت عظیم» مردم انتخابات را تحریم کرده‌اند. در بسیاری از حوزه‌های رأی‌گیری، در طول روز، بیشتر پلیس و پاسدار دیده می‌شدند تا مردم. هم‌چنین، دولت شمار حوزه‌های رأی‌گیری را از ۳۰۰۰ به ۲۱۰۶ کاهش داده است. هدف این کار نشان دادن شرکت زیاد مردم در حوزه‌های رأی‌گیری بوده است. میترا باقری، نمایندهٔ شورای ملی مقاومت ایران در ایتالیا، از درگیری پاسداران و مردم در منطقهٔ کلیم کاشانی در شمال تهران خبر

می دهد. به گفته او، فرمانده نیروی امنیتی پایتخت و ژنرال ابوالفتحی در این منطقه مستقیماً وارد صحنه شده بودند. هم چنین درگیریهای دیگری هم میان نیروهای امنیتی و مردم سایر مناطق، از جمله، شیراز، مدرسه هاتف اصفهان، میدان سعدی مشهد و شهر شهرضا روی داده است و در درگیریهای مشهد حداقل ۳۰ نفر دستگیر شدند. از آنجایی که در طول صبح شرکت مردم در انتخابات کم بود، عوامل دولتی با نصب بلندگوهای در مساجد و روی ماشینها از مردم می خواستند که در این «جنگ مقدس» علیه تهاجم دشمن شرکت کنند. دانشجویان را نیز مجبور کردند که در انتخابات شرکت کنند، در غیر این صورت از دانشگاهها اخراج خواهند شد. مأموران امنیتی وزارت اطلاعات (واواک) -که لباس شخصی به تن داشتند- حوزه های رأی گیری را محافظت می کردند.

مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران، طی فراخوانی -که مقاومت ایران آن را به صورت اطلاعیه، نوار ویدیویی مخفی و رادیو صدای مقاومت و برنامه تلویزیونی ماهواره ای پخش کرد- از مردم خواست این انتخابات را تحریم کنند.

«ناقوس مرگ این رژیم غیرقانونی، هرچه بلندتر، به صدا درآمده است». رجوی این سخن را امروز اعلام کرد. او هم چنین گفت: نتایج انتخابات، هرچه که باشد، جابه جایی رفسنجانی باعث بالاترین جراحی داخلی رژیم از فرادای مرگ خمینی تا کنون خواهد شد. مسئول شورای ملی مقاومت اضافه کرد «رژیم ناتوان تر و تندروتر خواهد شد، تقاضاهای داخلیش اوج بیشتری خواهد یافت و هیچ چاره ای جز افزایش اختناق و صدور تروریسم و بنیادگرایی نخواهد داشت».

«هرچه که باشد، نتیجه انتخابات با کتار رفتن قدرت رفسنجانی همراه خواهد بود». خانم باقری نیز با این موضوع موافق است. او تفراتی بین ناطق نوری و خاتمی نمی بیند و هر دو را وابسته به خامنه ای می داند، ولایتی را نیز. آنها همگی خط خمینی را ادامه خواهند داد.

اپوزیسیون ایران در رم از تقلبات انتخابات در ایران پرده برداشت

خبرگزاری ایتالیایی آنسا،

۲ خرداد ۱۳۷۶

«امروز اپوزیسیون ایران در رم از تقلبات انتخابات ریاست جمهوری -که امروز در ایران برگزار می شود- پرده برداشت. خانم میرا باقری، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در ایتالیا، اعلام کرد «انتخابات، به کلی، غیرقانونی است. او گفت براساس اخباری که سازمانش به دست آورده است اکثریت مردمی که حق رأی دارند، بر سر صندوقهای رأی گیری حاضر نشدند و در انتخابات شرکت نکردند».

باقری هم چنین گفت در تهران و مشهد درگیریهایی میان پاسداران امنیتی و گروههایی از مردم -که علیه انتخابات اعتراض می کردند- رخ داد. او توضیح داد «در جریان درگیریهای مشهد حداقل ۳۰ نفر از کسانی که با پرتاب سنگ به سوی ساختمانهای دولتی اعتراض خود را نسبت به انتخابات نشان می دادند، دستگیر شدند... او در پایان گفت: درخواست ما از ایرانیها این بود که این انتخابات را تحریم کنند، چون هیچ سودی برای آنها به همراه نخواهد داشت».

تنها ۱۶ درصد از واجدان شرایط به پای صندوقها رفتند

خبرگزاری فرانسه ۵ خرداد ۷۶

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه ای گفت: «شکست جناح مورد حمایت خامنه ای در انتخابات روز جمعه و این که کفه ترازو دیگر به نفع او نیست، منجر به تشدید بحران در درون رژیم شده، شقه شدن آن را تسریع کرده و جوش جدیدی به مقاومت خواهد داد». مسئول شورای ملی مقاومت ایران آمار رسمی مبنی بر این که ۸۸ درصد از واجدان شرایط در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند، را رد کرد و گفت «فقط ۵ / ۶ میلیون ایرانی به پای صندوقهای رأی رفتند، یعنی تنها ۱۶ درصد از ۳۹ میلیون».

خبرگزاری فرانسه افزود: اما رجوی پروزی خاتمی را به عنوان «یک شکست فضاحت بار» برای رژیم توصیف کرد و اظهار عقیده نمود که «برای مردم ایران فرقی بین دو کلانفدا وجود ندارد». رجوی گفت: هنگامی که خاتمی بین سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۹۲ (یعنی ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰) وزیر ارشاد رژیم بود، مشوق «صدور تروریسم و ارتجاج» بوده است. «او هم چنین در اعدام و قتل عام زندانیان سیاسی دست داشته است».

کمتر از ۵/۶ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند

روزنامه بابل چاپ عراق ۴ خرداد ۷۶

روزنامه بابل به نقل از اطلاعیه دبیرخانه شورا نوشت: «کمتر از ۵/۶ میلیون رأی دهنده در انتخابات ریاست جمهوری رژیم شرکت کردند»

این روزنامه می‌افزاید: این آمار بر اساس گزارش ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل ایران و نیز بر طبق گزارشی تهیه شده که حاوی اطلاعاتی پیرامون شمار شرکت‌کنندگان در ۲۵۰۰ حوزه رأی‌گیری در بیش از یکصد شهر می‌باشد. اطلاعیه دبیرخانه شورا می‌افزاید: رژیم ایران به منظور مخفی نگه‌داشتن میزان مخالفت مردم با این انتخابات تعدا: واجدان شرایط را فقط ۳۳ میلیون ذکر کرده است.

روزنامه بابل هم چنین نوشت: مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران گفت که کنار گذاشتن رفسنجانی بزرگترین جراحی داخل رژیم از زمان مرگ خمینی است.

مسعود رجوی نتایج انتخابات ریاست جمهوری رژیم ایران را مورد تردید قرار داد

روزنامه الشرق الاوسط

چاپ لندن، ۶ خرداد ۷۶

مسعود رجوی رهبر (مقاومت) ایران، نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری رژیم ایران را مورد تردید قرار داد و گفت: خاتمی در «جنایتها و اعداها» شریک بوده است. الشرق الاوسط با استناد به اطلاعیه آقای رجوی گفت: «فقط ۵/۶ میلیون از ۳۹ میلیون (دارندگان حق رأی) در رأی‌گیری شرکت کرده‌اند».

خاتمی و رفسنجانی برای «حفظ آبروی نظام» بر سر ۴ تا ۵ برابر کردن آمار شرکت‌کنندگان توافق کردند

روزنامه العرب، چاپ لندن، ۵ خرداد ۷۶

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران اطلاعیه‌ی پیرامون نتایج انتخابات رژیم ایران صادر کرد و گفت: «شکست (جناح) خاتمی در این انتخابات و چرخش تعادل علیه او روند (گسستگی) رژیم را تشدید و سیر تحولات را به نفع مقاومت شتاب خواهد بخشید».

او گفت: «به‌رغم برهم خوردن تعادل درونی رژیم، هیچ امکان و احتمالی برای (استحاله) دیکتاتوری ولایت فقیه وجود ندارد و این رژیم نمی‌تواند شرایط داخلی خود را کنترل کند مگر این‌که به ماجراجویی و صدور بحران رو بیاورد».

رجوی افزود: اطلاعات رسیده حاکی است که خاتمی و رفسنجانی بر سر افزایش تعداد شرکت‌کنندگان به ۴ تا ۵ برابر برای حفظ آبروی نظام توافق کرده بودند. این توافق، مانند ادعاهای دروغین شرکت زنان و جوانان در این انتخابات، قبل از هر چیز واکنشی است نسبت به حمایت اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران».

(مسعود) رجوی نتیجه‌گیری کرد: «اگر ۸۸ درصد از واجدان شرایط در رأی‌گیری شرکت کرده‌اند، پس چرا رژیم شانس خود را برای انجام یک انتخابات آزاد ریاست جمهوری تحت نظر سازمان ملل متحد نمی‌آزماید؟ رژیم در حالی از شرکت بیش از ۴ میلیون تن در انتخابات تهران سخن می‌گوید که تعداد کل برگه‌های رأی که توسط ستاد انتخابات در پایتخت توزیع شده ۲ میلیون و ۶۳۰ هزار برگ بوده‌اند و درصد زیادی از این برگه‌ها نیز به صورت سفید به این مرکز باز گردانده شده‌اند».

اپوزیسیون ایران: پیروزی خاتمی فروپاشی رژیم حاکم بر ایران را تسریع خواهد کرد

روزنامه الاهرام، چاپ قاهره، ۷ خرداد ۷۶

اپوزیسیون ایران در روز ۶ خرداد یادآور شد که پیروزی محمد خاتمی و رئیس‌جمهور شدن او برخلاف محاسبات علی‌خاتمی، رهبر رژیم، محسوب می‌شود و آهنگ فروپاشی رژیم ایران را تشدید خواهد کرد.

در اطلاعیه مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت ایران، آمده است که پیروزی خاتمی قبل از هر چیز رأی عدم اعتماد به قدرت حاکم و صدای اعتراض علیه رژیم محسوب می‌شود. رجوی گفت: رسیدن خاتمی به حاکمیت و ترکیب جدید رژیم به تضعیف آن خواهد انجامید و این در اساس به نفع مقاومت مردمی و شورای ملی مقاومت ایران خواهد بود. او افزود دوران جدید که دوران تعیین سرنوشت بین مقاومت و رژیم می‌باشد، آغاز شده است

## خامنه‌ای فاش ساخت

که از شش ماه قبل خواستار درآوردن ۳۰ میلیون رأی از صندوقها بوده است

امام جمعه اهواز: «مسئولین وزارت کشور تعداد آرای که چاپ کرده بودند ۲۵ میلیون بود، ... خامنه‌ای قبول نکردند گفتند ۳۰ میلیون باید چاپ کنید»  
امام مسئول شورا: خامنه‌ای و رفسنجانی پیش از رأی‌گیری بر سر افزایش آمار شرکت‌کنندگان به میزان «۴ الی ۵ برابر» به توافق رسیده بودند

خامنه‌ای روز چهارشنبه ۷ خرداد در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس، که به مناسبت سالروز تأسیس مجلس آخوندی صورت گرفت، فاش ساخت که از ماهها قبل از برگزاری نمایش انتخاباتی، در پی بیرون آوردن ۳۰ میلیون رأی از صندوقها بوده است.  
خامنه‌ای گفت: «بعضی از بزرگان، عزیزان، برجستگان کشور به بنده مکرر گفتند که شما اگر به یک شخص خاصی برای ریاست جمهوری نظر دارید، آن را به ما بگویید، ما اوضاع و احوال را هموار کنیم که همان انجام بگیرد. هدایت کنیم مردم را. من به آنها گفتم که آن‌چه که من از خدا خواسته‌ام، ۳۰ میلیون رأی هست. [در] این ۶ ماه قبل از شروع، هر چه اصرار شد در طول این چند ماه، از بنده غیر از همین حرف، آقایان محترم، مسئولین برجسته کشور و دیگران چیزی نشنیدند. آن برای ما مهم است. آن برای کشور مهم است».

### اعترافهای بعدی امام جمعه‌ها

در روز بعد جزایری، امام جمعه رژیم در اهواز طی سخنانی نشان داد که خامنه‌ای برای رقم ۳۰ میلیون تلاش می‌کرده، وی گفت: «این را قبل از انتخابات از مسئولین وزارت کشور شنیدم که آنها خود را آماده کرده بودند برای ۲۵ میلیون نفر. یعنی تعداد آرای که چاپ کرده بودند، ۲۵ میلیون بود. برای من نقل کردند. ولی وقتی که تشریف حاصل کردند چند ماه پیش محضر خامنه‌ای، ایشان قبول نکردند، گفتند ۳۰ میلیون باید چاپ بکنید. ۲۵ میلیون کافی نیست. بروید ۳۰ میلیون برگ رأی چاپ بکنید و انشاءالله تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات به مرز ۳۰ میلیون خواهد رسید. این چیزی بود که مدتها قبل از انتخابات مقامات وزارت کشور برای خود من نقل می‌کردند و خود خامنه‌ای گفته بود من دعا کرده بودم و دعای من مستجاب شد».

امام جمعه‌های رژیم در سایر شهرهای کشور نیز در خطبه‌هایشان اظهاراتی در همین رابطه داشتند. یعسوبی، امام جمعه رژیم در ایلام گفت: «این جور نیست که بعضی خیال می‌کنند که مردم از انقلاب زده شدند. یا خدای ناخواسته از روحانیت زده شده‌اند. هم مردم طرفدار انقلابند به دلیل این آرا، بالا و هم طرفدار روحانیت‌اند. به دلیل این که در میان این ۴ نفر بزرگوار زواری بود. اگر از روحانیت زده شده بودند به او رأی می‌دادند. همین که مردم باز هم یک روحانی را انتخاب کردند، این مایه افتخار است و بحمدالله ایشان هم در پیامی که داد و هم در مصاحبه‌یی که کرد خط خودش را روشن کرد و تودهنی خوبی هم به منافقین و ضدانقلاب زدند. تا مادامی که ایشان در خط ولایت است و در ظل عنایت رهبری هست، باید ایشان را حمایت کرد و گوش به زمره‌ها و شیطنتهایی که بعضی از منافقین می‌کنند داده نشود».

آخوند یعسوبی به این ترتیب فاش ساخت که هدف از این همه تبلیغات و رقم‌سازیها جز برای مقابله با «زمره‌ها و شیطنتهای [مجاهدین]» نیست.

پرت و پلاگوییهای آشکار زرنندی، امام جمعه کرمانشاه، در این میان از همه جالبتر است و دقت آمار اعلام شده را به خوبی نشان می‌دهد.

زرنندی گفت: مردم مسائل سیاسی را خوب می‌فهمند. [می‌فهمند] که باید با آرایشان در سطح گسترده تو دهن آمریکا بزنند، که زدند....

۲۰ میلیون و خورده‌یی مردم رأی دادند. اینها آگاهند. اینها بیدارند، هوشیارند، تحلیل دارند. نزدیک به ۳۰ میلیون رأی دادند به



همه. این هم بیانگر این است که ما انقلابمان را می‌خواهیم. ما از انقلاب پاسداری می‌کنیم... مردم هم ۳۰ میلیون و اندی برای انقلاب رأی دادند نه چیز دیگر. برای انقلاب. برای تبعیت از روحانیت و رهبری»

زرنندی که این همه شعار را برای اثبات واقعی بودن انتخابات و پیروزیهای نظام و ولی فقیه می‌داد، افزود:

متهی من یک چیز بگویم. یک چیزهایی به گوشم می‌رسد... مبادا بگویند روحانیت شکست خورد، نه... روحانیت شکست نخورد... من در روزنامه قبل از این که رئیس‌جمهور محترم خاتمی رأی بیاورد [خواندم]، گفتم من که آدم توی صحنه برای این که ایجاد شور و هیجان بکنم، نه برای رأی آوردن».

شایان یادآوری است که بنا بر ارزیابیهای دقیق و مستقیم مقاومت ایران از بیش از ۲۵۰۰ حوزه انتخاباتی در تهران و ۱۰۰ شهر دیگر ایران، تنها ۶/۵ میلیون نفر از ۳۹ میلیون واجدان شرایط رأی یعنی ۱۶ درصد از آنها در نمایش انتخاباتی رژیم شرکت کردند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت در اطلاعیه‌ی درباره سخنان خامنه‌ای، از قول آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، یادآور شد که پیش از رأی‌گیری، خامنه‌ای و رفسنجانی برای حفظ «آبروی نظام» بر سر افزایش ارقام شرکت‌کنندگان به میزان ۴ الی ۵ برابر<sup>۱</sup> به توافق رسیده بودند. بنا بر این اطلاعیه، هدف رژیم از این اقدام مقابله با حمایت اکثریت مردم از مقاومت و رئیس‌جمهور برگزیده آن خانم مریم رجوی بود، به خصوص که پس از عزیمت او به نوار مرزی و بازدید از قرارگاه‌های ارتش آزادیبخش، این حمایت ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت.

#### همه نامزدها از نظام بودند

خامنه‌ای در سخنرانی خود هم چنین گفت: «در این انتخابات، به کوری چشم دشمن، همه به نظام اسلامی رأی دادند، اما دشمنان با استفاده از رسانه‌های خود تلاش می‌کنند آرای مردم مصلحان را نوعی اعتراض و انتقاد به نظام تبلیغ کنند». خامنه‌ای با انکار جنگ قدرت بین باندهای درون رژیم، آخوند‌های حاکم را به «هوشیاری در برابر تلاشهای دشمن برای ایجاد تفرقه و بگو و مگو در جامعه» فرا خواند. او افزود: رأی ملت در این انتخابات رأی اتحاد این ملت در دفاع از اسلام و نظام اسلامی بود، چرا که همه نامزدها از نظام بودند و برای نظام.

به گزارش رادیو رژیم در همان روز، خامنه‌ای گفت: «شعارهای رئیس‌جمهور منتخب یعنی نظم و قانون و رفع تبعیض، عدالت اجتماعی و حرکت به سوی اهداف اسلامی و پیروی از وصایای امام همان شعارهای انقلاب و نظام اسلامی است و مردم به همین دلیل رأی دادند». او به این ترتیب بر هر نوع دعوی میانه‌روی از جانب رژیم خط بطلان کشید. وی در این سخنرانی تأکید کرد که مجلس باید همان سیاستهای قبلی را ادامه دهد.

خامنه‌ای برای پنهان کردن غریبه‌سنگینی که باند او دریافت کرده، ادعا نمود که «در این انتخابات همه برنده شده‌اند». وی، نگران از وارفتن نیروهای شکست‌خورده در انتخابات، «از عملکرد بعضی مطبوعات که تحت تأثیر تعابیر غلط فرهنگ غربی از پیروزی عده‌ی و بازنده بودن عده دیگر سخن می‌گویند ابراز تأسف کرد و گفت همه افراد اعم از نامزدهای انتخاباتی، طرفداران آنها و دیگران که با احساس علاقه تکلیف و احساس مسئولیت، وارد عرصه انتخابات شده‌اند، و به پای صندوقهای رأی رفتند، در این انتخابات برنده شدند».

یادآوری می‌شود که به رغم ادعای خامنه‌ای، که گویا از هیچ کاندیدایی طرفداری نمی‌کرده، وی از مدت‌ها قبل به شیوه‌های مختلف حمایت خود را از ناطق‌نوری ابراز کرده بود. از جمله در روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت، یعنی در آخرین فرصت تبلیغات انتخاباتی، روزنامه ابرار در صفحه اول خود به نقل از مهدوی‌کنی اعلام کرد که نظر خامنه‌ای بر ناطق‌نوری است

#### یک نمونه از تقلبهای انتخاباتی رژیم توسط مجاهدین افشا شد

به رغم ادعاهای دروغ رژیم در مورد آمار شرکت‌کنندگان در نمایش انتخاباتی، استاد و مدارک به دست آمده از درون رژیم حاکی است تقلبهای انجام شده به حدی زیاد است که در تعدادی از استانها حتی نمایندگان شورای نگهبان به کثرت تقلبها اعتراف کرده و

از تأیید نتایج انتخابات در این استانها خودداری کرده‌اند.

مطابق یک سند رسمی از صورت جلسه انتخابات ریاست جمهوری رژیم در کرمانشاه که ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور به دست آورده، ناظران شورای نگهبان اعلام کرده‌اند که انتخابات مزبور در کرمانشاه با تخلفات بسیار انجام شده است. آنها به همین دلیل حاضر به تأیید انتخابات این شهر نشده‌اند.

این سند رسمی شامل سه برگ با آرم وزارت کشور و استانداری رژیم در کرمانشاه است و در تاریخ سوم خرداد توسط قدرت نظری، فرماندار کرمانشاه، امضا شده است. ۱۰ تن دیگر از مقامهای رژیم از جمله عبدالله مقصودی فر، رئیس ثبت احوال کرمانشاه، و ماشاءالله حاتمی، نماینده دادگستری، نیز این سند را امضا کرده‌اند. بنابر این صورت جلسه در شهر کرمانشاه از ۵۲۵ هزار تعرفه و برگ رأی صادر شده، ۳۸۷۴۰۴ رأی به صندوقها ریخته شده است. اما ناظران شورای نگهبان حاضر به تأیید این صورت جلسه و آمارهای مذکور نشده و در حاشیه آن نوشته‌اند: «با توجه به جو حاکم بر انتخابات و کثرت وقوع تخلفات و کوتاهی اجرایی در رسیدگی به موقع، امضا به منزله تأیید نیست».

ناظران شورای نگهبان که انتخابات رژیم در کرمانشاه را رد کرده‌اند، از جمله عبارتند از: شکرالله احمدی، علی اشرف جمشیدی، مجید غفوری، عزیزالله سهرایی، صادق معصومی و محمد محمندی خدایی. موضوع تقلبی بودن انتخابات رژیم در کرمانشاه، در رسانه‌های خبری حکومت آخوندی منعکس نشده و کاملاً سکوت گذاشته شده است.

سند افشاشده توسط ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور تنها یک نمونه از تقلبهای فراوانی است که به وسیله آن آخوندها ۵/۶ میلیون رأی ریخته شده به صندوقها را یک باره به بیش از ۲۹ میلیون افزایش داده‌اند. گزارش دریائی حاکی است که نظیر همین تقلبها در ابعاد گسترده در دیگر استانها و هم چنین مناطق مختلف تهران صورت گرفته و مهره‌های رژیم از آن مطلعند، اما برای اثبات دروغ بزرگ ۲۹ میلیونی خود تمام گزارشهای مربوط به این تقلبها را سانسور می‌کنند.

### تحریم فاطح انتخابات آخوندی

توسط هموطنان مقیم خارج کشور

نمونه‌یی از تحریم یکپارچه ملت ایران است

ستاد انتخاباتی رژیم در روز ۴ خرداد اعلام کرد که ایرانیان مقیم خارج از کشور حدود ۶۷ هزار رأی به صندوق ریخته‌اند. این آرا نتیجه ماهها تلاش رژیم، متحدان، ایادی و مهره‌هایش می‌باشد که به هر وسیله‌یی چنگ زدند تا ایرانیان را به پای صندوقها بکشاند و در این راه از هیچ تهدید و تطمینی فروگذار نکردند.

آمار ارائه شده از سوی رژیم، صرفنظر از قلب و رقم سازی — که در حال و به هر میزان که عملی باشد، شیوه همیشه آخوندهاست — به خوبی نشان می‌دهد که ایرانیان خارج از کشور پاسخ منفی قاطعی به خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم داده‌اند و آن را به طور کامل تحریم کرده‌اند. ارائه رقم ۶۷ هزار نسبت به جمعیت چند میلیونی ایرانیان آواره و مهاجر، بسیار قابل توجه و آموزنده است. اگر ایرانیان خارج از کشور را حداقل ۳ میلیون نفر در نظر بگیریم و دارندگان حق رأی را بر اساس همان نسبتی که رژیم برای داخل ایران منظور کرده حداقل ۸/۱ میلیون برآورد کنیم، به روشنی می‌بینیم که کمتر از ۴ درصد واجدان شرایط در انتخابات رژیم شرکت کرده‌اند. از آن جا که این عده همان مأموران و کارمندان و ایادی و وابستگان رژیم در خارج کشور را تشکیل می‌دهند، از روی آن ابعاد تحریمی که هموطنان آزاده و شریفمان بر رژیم و انتخابات فرمایشی تحمیل کرده‌اند، مشخص می‌شود.

این پاسخ منفی یکپارچه و قاطع هموطنانمان که حقاً جای تبریک و تقدیر دارد، از یک سو از رشد سیاسی و آگاهی اجتماعی آنان حکایت می‌کند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که از دیدگاه مردم ایران این رژیم با همه باندها و جناحهایش مطرود و منفرست و برای همه هموطنان روشن است که به اصطلاح سگ زرد برادر شغال است. این تحریم هم چنین نشان می‌دهد که مردم ایران جز به سرنگونی تام و تمام این رژیم نمی‌اندیشند و هرگز فریب مانورها و تیرنگهای آخوندی را نخورده و نخواهند خورد. این تحریم

که مقاومت ایران از سالها پیش بر آن پای فشرده است، بیانگر رأی و اراده ملی عموم ایرانیان برای سرنگونی رژیم آخوندی، همراه با تمامی باندها و جناحهایش، می باشد.

طبیعی است که ایرانیان چه در داخل و چه در خارج کشور از خواست و اراده ملی واحدی برخوردارند، هم چنان که از فرهنگ و گذشته و احساسات یکسانی برخوردارند و خلاصه به دو نوع ایرانی تقسیم نمی شوند. بنابراین، واقعیت تحریم، از یک خواست و یک موضع مشترک همه ایرانیان در مقابل رژیم جنایتکار حکایت می کند. از دیدگاه این مردم، انتخاباتی که در چارچوب ولایت فقیه و تحت سرکوب و خفقان آخوندی برگزار می شود و با تقلب در ابعاد نجومی همراه است، از اساس مردود است. انتخاباتی که بین چند مهره مشخص رژیم که همه آنها در چارچوب ولایت فقیه برای پایمال کردن اساسی ترین حق ملت یعنی حق حاکمیت ملی بریکدیگر سبقت می گیرند، هیچ ربطی به مردم ایران ندارد. بدین ترتیب می توان فهمید که تحریم انتخابات از سوی مردم ایران، در داخل کشور نیز واقعی است که هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند. اگر تفاوتی بین داخل و خارج کشور باشد، در ابعاد سرکوب و فشار و صحنه سازیهای رژیم است که قبل از هر چیز در مقابله با مقاومت ایران و تنها جایگزین دموکراتیک اعمال می شود. از این رو به طور مشخص تحریم انتخابات توسط ایرانیان خارج کشور که تحت سرکوب مستقیم و شدید رژیم نیستند، نمونه بسیار گویاست. مشت محکم تحریم از سوی هموطنان مقیم خارج کشور - یعنی همانها که بزرگترین تظاهرات و اجتماعات تاریخ مبارزات خارج کشور را در حمایت از رئیس جمهور برگزیده مقاومت برگزار کردند - به روشن ترین وجهی مبین تحریم قاطع انتخابات آخوندی در داخل کشور نیز هست. از این بابت ضمن تقدیر از این هموطنان آزاده باید گفت که ننگ و نفرت بر پاسداران سیاسی رژیم که در خارج کشور ماسک اپوزیسیون بر چهره می زنند، تا بتوانند هر چه بیشتر به وزارت اطلاعات رژیم و آخوندهای مستبد و خون آشام، خدمت کنند

### پاسداران سیاسی رژیم

## با حکومت آخوندها و رئیس جمهور جدیدش بیعت کردند

به دنبال خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم آخوندی، تعدادی از پاسداران سیاسی رژیم، بی درنگ (در روز ۴ خرداد) به صحنه آمدند و با کمک بلندگوی «آیت الله بی. بی. سی»، آشکارا بیعت خود با آخوندهای جنایتکار را اعلام کردند. آنها که همواره در سرپزنگاهها و لحظات حساس با ماسک اپوزیسیون ظاهر می شدند و از منافع آخوندها دفاع می کردند، این بار نیز به تکرار دروغپردازیها و رقم سازیهای رژیم در مورد نمایش انتخاباتی و حلوا حلوا کردن آخوند خاتمی پرداختند و آن چنان دامن از کف دادند که حجابها از چهره برگرفتند و به شکل جمعی، به رسواترین صورت ممکن به مجیزگویی آخوندها پرداختند، از «دموکراسی» و «گشایش» در این دیکتاتوری مذهبی تروستی دم زدند، نمایش انتخابات را «یک واقعه مهم تاریخی» خواندند و با بیان پاره هایی هم چون «سبل خروشان» رأی دهندگان، مدعی شدند که «مردم ایران هم چنان به انقلاب اعتماد دارند» و «جمهوری اسلامی سرچایش می ماند».

این مواضع تنگنگ که مورد نفرت و انزجار مردم ستمدیده ایران قرار دارد، پیش از این که بتواند ذره ای مشروعیت به حکومت آخوندهای خون آشام بیخشد، بیانگر ماهیت این خیانتکاران، به عنوان پاسداران سیاسی، عوامل وزارت اطلاعات و زانده های رژیم در خارج کشور است و نشان دهنده افلاس و واخوردگی کسانی است که این گونه، مأمور سانسور و دجالگری خمینی را که ۱۰ سال سابقه وزارت در اوج دوران جنگ و کشتار و سرکوب دارد، حلوا حلوا می کنند. این مواضع نشان می دهد که این مدعیان به همه چیز شبیه هستند جز به اپوزیسیون. مگر این که «آیت الله بی. بی. سی» (لقبی که مردم ایران به خاطر خدمات بخش فارسی رادیو بی. بی. سی به آخوندها به آن داده اند)، آنها را «اپوزیسیون دموکرات خارج از کشور» بخوانند.

از آن جا که مواضع این تأییدکنندگان قتل و کشتار و اختناق آخوندها که دست در خون دهها هزار قربانی این رژیم دارند، عیان تر از آن است که حاجت به بیان داشته باشد، به ذکر بخشهایی از آن چه خودشان در این نمایش رادیویی گفتند، اکتفا می کنیم:

فرخ نگهدار: «معنای دموکراسی را این طور می فهمم و این اولین بار بود که انتخاباتی در ایران صورت گرفت که رأی مردم معنای

معین داشت که اهمیت این پیروزی بزرگ این است که تمام مردم یک انتخاب داشتند و آن هم اختناق کمتر ...  
فرخ نگهدار در صحبتی با بخش فارسی صدای آمریکا (۶ خرداد)، چنان دامن از کف می‌دهد که مصاحبه‌گر به او گوشزد می‌کند که «آقای نگهدار، ولی فراموش نکنید که هنوز آن عواملی که شما از آنها به عنوان عوامل سرکوبگر نام می‌برید، هنوز هم وجود دارند...».

بنی صدر: «مردم ایران هم چنان به انقلاب اعتماد دارند و جامعه فرصتی پیدا کرده همان رأی را که شانزده سال پیش داده بود عیناً تکرار کرده، یعنی می‌گوید وجدان جمعی در ایران امروز وجود دارد، آن ملت انقلابی که کرده می‌خواهد و می‌داند که چه می‌خواهد. اندیشه‌ها هم آن انقلاب را آزادی، استقلال، رشد و یک اسلام تجرمان این (ظرف) را می‌خواهد و روابط سالمی با دنیای خارج می‌خواهد».

احسان نراقی: این انتخابات «یک حادثه مهم تاریخی است» که «باعث تحولات مهم در چهره و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. این سیل خروشان که از مردم آمدند در حمایت از ایشان رأی دادند این برای رهبران جمهوری اسلامی هم یک اتفاق بی‌سابقه بود. برای جهان خارج هم هم چنین این یک واقعه مهمی از لحاظ تاریخی است. به نظر بنده بعد از این رأی می‌شود گفت جمهوری اسلامی بعد از هیجده سال وارد یک فاز تازه می‌شود، وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. خیلی از شعارهایی که در بحران انقلاب دادند کنار گذاشته می‌شود. جمهوری اسلامی سرچایش می‌ماند...»

بیژن حکمت: «مردم امیدوار هستند که به این ترتیب از آزادی بیشتری برخوردار باشند و چنین رأیی به خاتمی مسلماً خاتمی را هم متعهد می‌کند که صاحبان این رأیها را مایوس نکند، واقعاً با تمام قدرتی که دارند و با این قدرتی که ملت در پشت ایشان نشان داده راه را برای آزادیهای بیشتر توی جامعه بگشایند».

داریوش همایون: «این انتخابات هم دست اندرکاران رژیم را به حیرت انداخت هم ما را در خارج. یک اتفاق فوق‌العاده غیرمترقبه‌یی بود... و به کلی منظره را در جمهوری اسلامی تغییر خواهد داد».

بابک امیرخسروی: «مردم هم چنین نشان دادند که لازم نیست برای رسیدن به هدفشان از قوه قهریه استفاده کنند. این ماجرا نشان داد که اگر مردم بخواهند و وارد میدان بشوند در همین جمهوری اسلامی هم می‌شود با پیکار سیاسی مسالمت‌آمیز به نتایج معین و مثبتی رسید و تمام این جریانهای که متأسفانه اکثریت سازمانهای سیاسی خارج از کشور و شخصیتها انتخابات را تحریم کردند، معلوم می‌شود که اینها از واقعیت جامعه ایران هیچ اطلاعی ندارند و مردم فکر خودشان را دارند راه خودشان را پیدا می‌کنند، تلاششان این است که بتوانند که در همین جمهوری اسلامی بدون خشونت خلاصه خواستههای خودشان را در راه برای آزادی و مردم سالاری و بهبود شرایط زندگی مردم تأمین بکنند».

آیت الله بی.بی.سی که با برگزاری این شو رادیویی، باردیگر وفاداری خود در قبال آخوندها را نشان داده است، نظر خودش را هم در پایان می‌دهد و می‌گوید:

«شک نیست که حمایت رأی دهندگان ایران از خاتمی موضع آن دسته از گروههای سیاسی که انتخابات را نمایشی و فرمایشی می‌خواندند، ضعیف‌تر می‌کند و نشان می‌دهد که بسیاری از مردم ایران برای حل مشکلات داخلی خود چشم به خارج ندخته‌اند و تبلیغاتی که در خارج انجام می‌شود تأثیری بر داخل ایران ندارد».

و بالاخره در نهایت، سرخوردگی خود را از این که مورد تحریم مقاومت ایران قرار دارد، ابراز می‌کند و می‌گوید: «در میان گروههای اپوزیسیون که هم چنان معتقد به براندازی حکومت اسلامی ایران از طریق مبارزات مسلحانه هستند ما با نماینده شورای ملی مقاومت... تماس گرفتیم؛ اما او حاضر به صحبت با ما نشد».

لازم به ذکر است که بخش فارسی رادیو بی.بی.سی به خاطر حمایت دائم و یک‌جانبه‌اش از آخوندهای خون‌آشام، کوشش بی‌وقفه در پرده‌پوشی جنایتهای آنها، در زیرپا گذاشتن حقوق مردم ایران و نقض تمامی پرنسیپهای اخلاقی و حقوق بشری، از آن جا که با اصل بی‌طرفی که اولین اصل یک رسانه خبری است، فرستگها فاصله دارد، سالهاست که از سوی مقاومت ایران تحریم شده

امیر طاهری: وی در یک مجیزگویی مشتمل‌کننده برای آخوند خاتمی، ضمن مقایسه او با گورباچف گفت: «... فکر می‌کنم که شخصیت هر سیاستمداری در این شرایط به حساب می‌آید. خاتمی با بقیه فرق می‌کند. او یک شخصیت مذهبی تحصیلکرده است. در صورتی که سایر ملاحا که اکنون بر سر قدرت هستند، یا نیمه تحصیلکرده هستند یا نیمه بیسواد، خاتمی با دنیای بیرون آشناست. او سالها در اروپا زندگی کرده است. او نسبت به غرب تفکر بازی دارد. او فیلسوفهای غربی را می‌شناسد. او می‌داند که اطراف دنیا چه می‌گذرد. لذا شخصیت او به حساب می‌آید...» (سی.ان.ان، ۷ خرداد)

مانوئیل خدابخشیان: اجازه بدهید از یک دیدگاه دیگری هم به این انتخابات نگاه کنیم. نقش مردم، آمدن مردم به صحنه یک نقطه تاریخی بود. اما از نقطه نظر برداشتهای سیاسی بایستی این را بپذیریم که گاهی مصلحت رژیم ایجاب می‌کند که در یک برنامه‌های کوتاه مدت و درازمدت مصلحت خودش را تشخیص دهد. ظاهراً مردم آمدند و مردمی که در انتظار این بودند یکی بیاید، اپوزیونی بیاید، گورباچف بیاید، مردمی که می‌خواستند ثابت کنند که دیگر آنها امت نیستند. بنابراین مصلحت رژیم هم این بود که این مردم وارد صحنه بشوند. مردم وارد صحنه شدند و در حقیقت بر اپوزیسیون مسلط شدند، دیگر اپوزیسیون در خارج از کشور نیست، در خود کشور است (رادیو ۲۴ ساعته، ۴ خرداد).

هلیوفا نوری زاده: این انتخابات هم چنین اشتباهات و ارزیابیهای بسیار غلط اپوزیسیون را نشان داد، چه آنها که از بغداد نشته بودند و شعار می‌دادند به مردم که نروید پای صندوقهای رأی و معتقد بودند که مردم به رئیس جمهور منتخب آنها رأی می‌دهند و چه آنهاهی هم که باز خیال می‌کردند که با گفتن «بروید برگ سفید بیندازید به صندوقها یا رأی ندهید» می‌توانند کاری بکنند... آدمهایی که آلمان و آمریکا و این جا و پاریس نشسته بودند و تصور می‌کردند که محلی از اعراب دارند و می‌توانند برای مردم ایران تعیین تکلیف بکنند (رادیو ۲۴ ساعته، ۴ خرداد).

هوشنگ امیراحمدی: انتخاباتی است که هیجان بسیار زیادی را به وجود آورد و من فکر می‌کنم که اتفاقی که در ایران افتاد شاید در ۵۰ سال گذشته نیفتاده است واقعاً. بسیار حرکت وسیع و سازمان‌یافته و تمدنانه‌ی در ایران به وجود آمد که من واقعاً به مردم ایران به خاطر این افتخار می‌کنم. این حرکت در مجموع یک حرکت مردمی بود (رادیو ۲۴ ساعته، ۴ خرداد) ۲

#### بیعت نامه ابراهیم یزدی

ابراهیم یزدی، پاسدار سیاسی رژیم، از طرف دارالتجاره موسوم به نهضت آزادی پیام تبریکی برای آخوند خاتمی فرستاد و گفت: «رأی وسیع و شرکت بالای مردم در انتخابات در واقع پاسخی منفی به انحصار قدرت و حمایت از تنوع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در جهت آشتی ملی و استقرار نظم و حقوق می‌باشد (خبرگزاری فرانسه، ۶ خرداد).  
ابراهیم یزدی (بی بی سی، ۴ خرداد): «این یک پدیده سیاسی بسیار نوظهور و غیرقابل پیش‌بینی در صحنه سیاسی ایران بود. در این انتخابات... از طرف دیگر آقای خاتمی به دلیل مواضعی که اتخاذ کرده در برابر این رأی سنگینی که مردم به او دادند، متعهد است و حالا نوبت آقای خاتمی است که تمهیدات خودش را نسبت به مردم و نسبت به آن آرمانها نشان بدهد»

## خاتمی در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود آرای ریخته شده به صندوقها را رأی اعتماد به نظام خواند

خاتمی به خبرنگار سی.ان.ان گفت: انتخابات ما عبارت بود از مشارکت و انتخاب در درون نظام و نه اعتراض به نظام شورای ملی ملاوت: رژیم رفرم پذیر نیست

خاتمی، هفتمین رئیس جمهور حکومت آخوندی، روز سه شنبه ۶ خردادماه نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود را برگزار کرد. وی پیش از شروع سؤالیهای خبرنگاران طی سخنان کوتاهی به خمینی و خامنه ای ابراز ارادت کرد و گفت که «ما این همه عظمت را مدیون رهبریهایی ممتاز حضرت امام هستیم». او اظهار اطمینان کرد که رژیم با رهبری خامنه ای، به سوی آینده ای درخشانتر و بهتر پیش خواهد رفت. خاتمی تأکید کرد که رأی دهندگان «در درجه اول به انقلاب و نظام و ثبات و اقتدار کشور رأی دادند».

او در پاسخ به سؤال خبرنگار ایران نیوز، که گفت مردم به آزادیهای مدنی مطرح شده در برنامه انتخاباتی او رأی داده اند، تصریح کرد که رأی مردم «در درجه اول به نظام و به انقلاب» بوده است. او گفت که برای استقرار هرچه بیشتر نظام تحت رهبری خامنه ای تلاش خواهد کرد. خاتمی در پاسخ خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی که پرسید در صورت ثابت ماندن ترکیب مجلس آیا او برای پیشبرد برنامه هایش و گرفتن رأی اعتماد برای کابینه اش با مشکلی مواجه خواهد شد یا نه؟ بدون اشاره به کشمکشهایی که با نمایندگان باند خامنه ای در مجلس دارد، ادعا کرد که «هیچ مشکلی را پیش روی خود نمی بیند». وی هم چنین مدعی شد که مشکل اساسی بین دولت و مجلس وجود ندارد و همه دستگاهها در جایگاه قانونی خود کار خواهند کرد.

خاتمی در پاسخ به خبرنگار سی.ان.ان که آرای ریخته شده در صندوقهای رأی را «رأی برای ایجاد تغییر در سیستم کنونی حکومت و ایجاد یک جامعه مدنی و آزاد» توصیف کرد گفت که آرای مردم رأی اعتماد به نظام به رهبری و به انقلاب است. او افزود: انتخابات ما عبارت بود از مشارکت و انتخاب در درون نظام و نه اعتراض به نظام، خاتمی هم چنین در پاسخ به خبرنگار رادیو تلویزیون رژیم که گفت «رسانه های خبری بیگانه دست به شیطنت زده و درصدد القای نوعی انقلاب در ایران هستند»، پاسخ داد بخشی از تبلیغات رسانه های خارجی «نتیجه سوء تفاهم و بدفهمی تحلیلگران نسبت به واقعیت انقلاب» و بخشی هم «ناشی از شیطنتهایی است که آثار و نشانه هایش به چشم می خورد». او تأکید کرد که در ایران انقلاب یک بار صورت گرفته و آن انقلاب هم بر مردم تحمیل نشده است. او در همین جا جنگ ۸ ساله رژیم با عراق را «حماسه دفاع مقدس» خواند که با موفقیت طی شده است. او دوران ریاست جمهوری رفسنجانی را «تجربه درخشان سازندگی» توصیف کرد.

سپس یک خبرنگار ژاپنی درباره موقعیت رفسنجانی و این که او هم چنان نفر دوم نظام خواهد ماند یا نه، سؤال کرد. خاتمی با صراحت خود را بالاتر از رفسنجانی قرار داد و گفت که پس از خامنه ای خودش فرد دوم رژیم است. وی در عین حال با توصیف رفسنجانی به عنوان «امین، عزیز رهبری، پشتوانه فکری و تجربی نظام»، سعی کرد جنگ قدرت در بالای هیأت حاکمه آخوندی را، که از هم اکنون نشانه های آن بارز شده، پنهان کند.

رئیس جمهور جدید آخوندها در پاسخ خبرنگار بی.بی.سی که درباره حاکمیت قانون از او پرسید، مطابق معمول سران رژیم ضمن ارائه تعارفهایی مبنی بر «حرمت انسان و اندیشه و ...» گفت که در هر جامعه ای که بخواهد امنیت و حساب و کتاب باشد، باید تمام آزادیها در چارچوب نظم تعریف شده ای باشد. وی گفت که قانون اساسی آخوندها را پیاده خواهد کرد.

خاتمی که در تبلیغات ریاست جمهوری، خود را قهرمان تأمین حقوق و آزادیها برای زنان جا می زد، در پاسخ خبرنگاری که درباره احتمال وجود وزیر زن در کابینه اش می پرسید، از دادن پاسخ صریح طفره رفت و جواب داد که در حال بررسی این مسأله است. این در حالی است که ریشهری، که کاندیدای وزارت اطلاعات رژیم بود، چند ماه پیش وعده داده بود که در صورت انتخاب شدن، یک وزیر زن در کابینه اش خواهد داشت.

خاتمی در زمینه سیاست خارجی مخالفت صریح خود با صلح خاورمیانه را مورد تأکید قرار داد. او در پاسخ خبرنگار مصری که درخواست رژیم برای برقراری رابطه با مصر را از جمله مشروط به روشن شدن موضع رژیم در قبال تروریسم و هم چنین عدم دخالت آخوندها در امور کشورهای منطقه خواند، گفت که موضعگیری دولت مصر تحت تأثیر سمبایشهای قدرتهای بزرگ است. او ادعا کرد که آخوندها «همواره مخالف تروریسم و به خصوص تروریسم دولتی» بوده اند.

خاتمی برای جلوگیری از طرح سوالهای بیشتر، یک ساعت پس از آغاز کنفرانس، به بهانه خستگی، محل کنفرانس را ترک کرد. او درباره رابطه با کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بحران موجود بین رژیم و این کشورها هیچ صحبتی نکرد. خبرنگار سی.ان.ان در تهران درباره اظهارات خاتمی در اولین کنفرانس مطبوعاتی گزارش کرد: آن چه می توان گفت این است که خاتمی در این کنفرانس محافظه کارتر از آنچه انتظار داشتیم، بود. او در مورد اسکان هرگونه تغییر گفت که همان سیاست کنونی دولت را ادامه می دهد. در مورد روابط بین المللی، پاسخ او در اساس همان خط کلی دولت بود. خبرنگار سی.ان.ان که گزارشهایش درباره نمایش انتخاباتی رژیم با تبلیغ بسیار برای خاتمی همراه بود، گفت که او در پاسخهایش، درباره مسائل مختلف صریح نبود.

شورا: رژیم رفرم پلیر نیست

شورای ملی مقاومت در روز ۷ خردادماه، اطلاعیه‌یی درباره اظهارات آخوند خاتمی در اولین کنفرانس مطبوعاتی منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است: سخنان خاتمی به خوبی نشان داد که، به رغم هیاهوی تبلیغاتی که برخی رسانه‌های غربی به راه انداخته‌اند، نه تنها وی هیچ قدرتی ندارد و همه تصمیمها و سیاستها از سوی خامنه‌ای، رهبر ملایان، اتخاذ می شود، بلکه وی در اساسی ترین مسائل داخلی و بین المللی هیچ تفاوتی با سایر سردمداران رژیم ندارد. وی در این مصاحبه، ضمن بیان برخی کلیات در مورد آزادی گفت آزادیها تا آن جا مجاز است که «مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد». حرف خاتمی هیچ حرف جدیدی نیست. خمینی و جانشینانش ۱۸ سال است که فجع ترین جنایتها را در حق مردم ایران تحت نام اسلام انجام می دهند. در پایان این اطلاعیه آمده که اظهارات خاتمی در این کنفرانس مطبوعاتی یک بار دیگر نشان می دهد که رژیم آخوندی رفرم پلیر نبوده و نخواهد بود O

\*\*\*\*\*

## گزارش از درون رژیم

گزارشهای رسیده از درون رژیم که اسناد آنها نزد متاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور موجود است، نشان دهنده بی رونق بودن بازار انتخابات و حوزه های رای گیری می باشد. در زیر نمونه هایی از این گزارشها را که از منابع درون رژیم به دست آمده ملاحظه می کنید:

«خبرنگارها پروند حسینیته ارشاد  
به لحاظ سوق الجیشی بر ایمان مهم است»

منطقه ۳ تهران (خیابان پاسداران، شریعتی و ولیعصر)  
ساعت ۱۰/۵۰ صبح

یک گزارش حاکی است که رژیم، برای این که حوزه های مورد بازدید خبرنگاران شلوغ باشد، دستور داده بود حوزه های اطراف آنها را ببندند تا رای دهندگان مناطق مزبور مجبور شوند در حوزه های مورد بازدید جمع شوند و بر میزان جمعیت این حوزه ها افزوده شود. یک گزارش دیگر حاکی است که مقامهای ذریعط، پس از به کار گرفتن همین تمهیدات، خبرنگاران را به حسینیته ارشاد برده اند.

آنها در توضیح این امر گفته اند که بار ترافیک کلاً در سمت شریعتی بیشتر از ولیعصر است و این منطقه را «سوق الجیشی» نامیده اند.

در این گزارش که ساعت ۳۰/۱۰ صبح از منطقه ۳ تهران (خیابان سلطنت آباد و شریعی و ولیعصر) داده شده، آمده است: «ما هماهنگ کردیم با آقای پرند که خبرنگارها بروند حسینی ارشاد، به لحاظ سوق الجیشی برایمان مهم است. ما کلاً بار ترافیکیان در سمت شریعی بیشتر از طرف ولیعصر است».

همین گزارش حاکی است که «حوزه های منطقه پاسداران مقداری خلوت است».

یزد: در هر حوزه ۲۰ نفر بودند

ستاد انتخابات استان یزد

ساعت ۱۰ صبح

در گزارشی که ساعت ۱۰ صبح از ستاد انتخابات استان یزد برای وزارت کشور مخابره شده، آمده است که در این ساعت به طور متوسط در هر حوزه این استان حدود ۲۰ نفر برای رأی دادن در صف هستند.

در هیچ جا صفی تشکیل نشده

ستاد انتخابات استان تهران

ساعت ۳۰/۱۱

در گزارشی که یکی از مسئولان ستاد انتخابات استان تهران از وضعیت مناطق تحت مسئولیت خود، تا ساعت ۳۰/۱۱، برای ستاد انتخابات وزارت کشور مخابره کرده و نسخه یی از آن به دست منابع مقاومت رسیده، آمده است:

«در منطقه های ۱، ۲، ۵، ۶ و ۸، تشهایی داشتیم ولی منطقه ۱۴ بی سرو صدا بوده است. در بازدیدی که تا ساعت ۳۰/۱۱ داشتیم تراکمی مشاهده نکردیم. برای پادگانهای ۰۱ و ۰۲ و بیمارستانها صندوق سیار فرستاده ایم. کلاً ازدحامی وجود نداشت، من شلوغی ندیدم. فقط از مسجد اصفهانک گزارش شده بود که یک مقدار شلوغ است ولی با مسئول ناحیه که صحبت کردیم، گفتند زیاد شلوغ نیست. کلاً جایی صفی تشکیل نشده است. من هر کدام از حوزه هایی که خودم دیدم ۱۲-۱۰ نفر در هر کدام بودند...»

همه روستاییان سر مزارع رفته اند

و کمتر کسی برای رأی دادن آمده است

ستاد انتخابات استان مازندران

ساعت ۶ بعدازظهر

در گزارشی که مسئول ستاد انتخابات استان مازندران برای وزارت کشور مخابره کرده است، آمده:

حوزه ها از اول صبح خلوت بوده چون همه روستاییان سر مزارع رفته اند و کمتر کسی برای رأی دادن آمده است. ما درخواست داده ایم که ساعت رأی گیری تا ۱۰ شب تمدید شود که روستاییان برگردند و بتوانند رأی بدهند.

گزارش رسیده از یکی از منابع مقاومت در ستاد انتخابات در قائمشهر، حاکی است که این شهرستان کلاً ۹۶ حوزه داشته که مجموعاً ۱۶۰ هزار تعرفه برای آنها ارسال شده بود. تعداد مراجعه کنندگان تا ساعت ۶ بعدازظهر به طور متوسط در هر حوزه ۱۰ تا ۲۰ نفر در هر ساعت بوده است. در مجموع در قائمشهر تا ساعت ۶ بعدازظهر حدود ۱۴۰۰ نفر به حوزه ها مراجعه کرده اند.

لازم به ذکر است که در هر حوزه ۱۴ نفر از مأموران رژیم پای صندوقها بودند که در هر لحظه بیشتر از تعداد مراجعه کنندگان بوده است.

\*\*\*\*\*



## بوسه بر نعلین خونخواران

محمد رضا روحانی

رشد تضادهای درونی رژیم ولایت فقیه، جلوه‌های آشکار اعتلا و هماهنگی بین مقاومت داخلی کشور با مقاومت سازمان یافته ملی، اقتدار روزافزون ارتش آزادیبخش ملی ایران، گسترش مبارزات مردم، فقر و گرانی غیرقابل تحمل، ورشکستگی اقتصادی و اخلاقی حاکمیت ملایان، خفقان و سرکوب همه جانبه به ویژه قتل و ربودن و زندانی کردن نویسندگان و روشنفکران، تشدید بحران در منطقه خاورمیانه و دست اندازها و تحریکات حزب الله وابسته به رژیم در کشورهای همسایه، حکم دادگاه میکونوس و افزایش تنش با اتحادیه اروپا، همه عواملی بود که اقتضا داشت رژیم بی صاحب خمینی برای ایجاد وحدتی در صفوف خود، به تصفیه بزرگی در جریان انتخابات رئیس جمهور دست یازد. در انتخابات دور پنجم مجلس شورای اسلامی مانورها برای قیچی کردن پره‌های رفسنجانی کاملاً آشکار شد. خامنه‌ای برای آن که رقیب سمج خود، رفسنجانی را آبرومندانه دفع کند، او را به ریاست مجمع تشخیص مصلحت برگزید. همه علائم حکایت می‌کرد که حذف رفسنجانی میرم‌ترین نیاز رهبر است. مجری این طرح هم ناطق‌نوری بود. در مورد انتخاب قطعی ناطق‌نوری همه آنهاهی که قواعد حیات جمهوری اسلامی را می‌شناسند، منتفی‌الرای بودند.

### دشمن در پشت مرزها

تنشها و تشنجهای جریان انتخابات نمایشی را به نحو مخاطره‌انگیزی از کنترل ارباب قدرت خارج کرد. در نبرد گرگها فرصت مناسبی فراهم شد تا شمارنویسی و پاره کردن عکسهای هر دو کاندیدا ابعاد گسترده‌یی پیدا کند؛ و این وحشت‌آفرین بود. با نصیحت و دلالت هم موضوع خاتمه نمی‌یافت. بالاخره کار به جایی رسید که فریاد جواد آملی به آسمان رسید: «دشمن در پشت مرزها منتظر فرصت است». در آخرین نمازجمعه قبل از انتخابات رفسنجانی به تهدید آشکار دست‌اندرکاران انتخابات پرداخت تا آنها را از قلب به نفع ناطق‌نوری برحذر دارد. خامنه‌ای دوروز قبل از نمایش انتخابات به وخامت نتایج حاصل از یک درگیری گسترده پی برد و ناگزیر به صحنه شتافت تا به مأموران خود دهنه بزند و اوضاع را کنترل کند، زیرا دشمن در پشت مرزها منتظر فرصت بود.

### نشانه‌های شکاف در بالا

مشکل تنها بین تمامیت رژیم ولایت فقیه و ملت نبود. درین اعضای کابینه هم دشمنی و کشاکش علنی شد و به روزنامه‌ها رسید. «همکاران» رفسنجانی، سردار سازندگی، مراسم ختم او را برپا می‌کردند. ولایتی گفت «ناطق‌نوری امتحان خوبی از درایت و کفایت داده است» یعنی رئیس‌جمهور آینده اوست. محمدخان، وزیر دارایی، اظهارنظر کرد که «بندنه اصلی دولت رفسنجانی، سردار سازندگی، را نیروهای زمان وزارت کشور آقای ناطق‌نوری تشکیل می‌دهند». مهندس میرسلیم عقیده داشت «قطعاً پس از آقای رفسنجانی فرد واجد شرایط‌تر از آقای ناطق‌نوری نیست»، دکتر میرزاده اعلام کرد که «آقای ناطق‌نوری برای اداره قوه مجریه کشور اولی و اصلح است»، مهندس ترکان هم تبلیغ می‌کرد که «آقای ناطق‌نوری اصلح است» و مهندس آخوندی پیش‌بینی کرده بود که «با انتخاب آقای ناطق‌نوری هماهنگی مناسبی بین مدیریت قوای سه گانه به وجود خواهد آمد». همزمان، بسیاری از همداستان رفسنجانی از او اعلام براءت می‌کردند. وضع در سطوح پایین‌تر حاکمیت هم به همین ترتیب بود و نشانه‌های بارز تلاش برای تک پایه کردن رژیم به چشم می‌خورد. در خیابانها و روزنامه‌ها هم دوطرف اعمال «دموکراسی» می‌کردند. در حالی که ۱۹۰ نماینده دست‌نشانده مجلس رژیم با ناطق‌نوری اعلام بیعت رسمی کرده بودند، دکتر فریده مصطفوی، دختر خمینی، هم محض خالی نبودن عریضه اعلام کرد که «من به ناطق‌نوری رأی می‌دهم» (ابراهیم، ۱۲۸ اردیبهشت). در همان روز، ائتلاف گروههای خط امام در روزنامه سلام اعلامیه خود را چاپ کردند تا «نسبت به حرمت شکنی بیت حضرت امام (ره)» اعتراض کنند. نوشته بودند «بیت شریف و معزز امام راحل (ره) مورد حرمت شکنی قرار گرفته و فرزندش را به جرم حمایت از حجت‌الاسلام والمسلمین

خاتمی با فرزند نوح و دیگری را مقایسه با عایشه نموده‌اند. وضع در شهرستانها بدتر بود و کشاکش بین دوستاند به دهات کشیده بود. هر کدخدایی خر خود می‌راند و در طرف آمادگی زیادی برای درگیری نشان می‌دادند. در چنین حالتی «صلح مسلح» جدید شکل گرفت تا جلو رشد بیشتر تضادها گرفته شود. ضعف درونی، رژیم را ناگزیر کرد به جای یک پایه شدن به سه قطبی شدن تن دهد. تصور این همه ناتوانی با آن همه مقدمه‌چینی برای کسی وجود نداشت. شکست ولی فقیه در پیش بردن انتخاباتی که حداقل دو سال در جهت آن تلاش کرده بود، حاصل این شرایط بود. ولی رژیم به شکست تن داد زیرا «دشمن در پشت مرزها منتظر» بود.

---

### به رفقم چند فرض محال

---

— اگر فرض شود که ملت مثل اصحاب کهف از خواب بیدار شده و دچار یک نسیان تاریخی است و به یاد نمی‌آورد که گرگ عمامه سیاه ده سال در کابینه‌های موسوی و رفسنجانی در حکومت جنگ، ترور، قتل، تجاوز و غارت شرکت داشته است؟  
— اگر فرض شود که اخبار و اطلاعات رسمی مقامهای این رژیم که صراحتاً حکایت از سقوط ۸۰ درصد ملت به زیر خط فقر دارد، دروغ است و مردم از این رژیم راضی‌اند؟  
— اگر فرض شود که در تمام جامعه ایران جز ناطق‌نوری، ریشه‌ری، زواره‌ای و خاتمی هیچ تابنده‌یی لیاقت اداره دستگاه مجریه ولایت فقیه را نداشته است؟

— اگر فرض شود که دست‌اندرکاران انتخابات همگی طیب و طاهر و معصوم بوده‌اند و نتایج انتخابات دستکاری شده نیست؟  
— اگر فرض شود که خامنه‌ای نه تنها باند خود را به شکست نکشاند، بلکه مقتدرتر شده است و می‌تواند به همه افساربریده‌ها دهانه بزند و خود به حمایت خاتمی برخیزد؟  
— اگر فرض شود که آن ۱۹۰ وکیل رژیم در مجلسی که سرسپردگی کتبی خود را به ناطق‌نوری اعلام کرده بودند، همگی توبه کرده‌اند؟

— اگر فرض شود که ۲۰۰ نماینده‌یی که بلافاصله پس از انتخاب خاتمی از او اعلام حمایت کرده‌اند، مردم شریف و صدیقی هستند؟

— اگر فرض کنیم که به خلاف نظر مفسران و آگاهان، آرای انتخاباتی مزبور «یک اعطاب به حاکمان»، «رای مخالفت به حاکمیت در ایران امروز»، «رای تنفر» و بالاخره «رای اعتراض» نبوده است؟

کدام آدم شیرپاک‌شورده عاقلی می‌تواند فکر کند که زنان، جوانان، کارمندان، کارگران، دانشجویان، بازنشسته‌ها و از جمله گرسنگان اسلامشهر، تحقیرشدگان کرمانشاه، ستم‌دیدگان قزوین، بی‌خانمانهای مشهد، روشنفکران، نویسندگان و اهل هنر در قالب روابط حاکم بر جمهوری ولایت مطلقه فقیه می‌توانند حداقل مطالبات خود را عنوان کنند؟ آیا انکار حیثیت آدمی و حاکمیت مردم در قانون اساسی این رژیم جایی برای بروز خواستهای مردم باقی گذاشته است؟ چه کسی می‌تواند فکر کند که خاتمی قدرت احترام گذاشتن به حداقل حقوق شهروندی ملت ایران را دارد؟ اگر به فرض محال بخواهد احترام بگذارد، با سیل بنیان‌کن اعتراضات مردم نسبت به ظلم رژیم چه خواهد کرد؟ حکایت اسلامشهر، قزوین، کرمانشاه و مشهد نمونه‌های زنده و گویایی از تنهاره باقیمانده برای این رژیم نیستند؟ آیا کسی سرنوشت اعتصاب تفنگران را می‌تواند فراموش کند؟

اگر پشم ولایت فقیه را در انتخابات نکنده بودند، اگر رفسنجانی در موقعیت جدید خود در مجمع تشخیص مصلحت نظام قادر و صاحب اختیار می‌بود و اگر هر دو سر فعلی رژیم می‌خواستند و می‌توانستند یکپارچه پشت سر خاتمی قرار گیرند و خاتمی نیز معرفی‌کننده یک ائتلاف بی‌در و دروازه و مست نمی‌بود، آیا تصور این که چنین ترکیبی می‌توانست راهگشایی کند، عاقلانه می‌بود؟ آیا امکان اصلاح و آشتی با جامعه ایران برای این رژیم باقی است؟ در آن صورت ادعاهای رهبر چه می‌شود؟ تکلیف رفسنجانی چیست؟ فعلاً اینها از جمله سؤالیهای هستند که فوراً به ذهن می‌آیند. جواب این سؤالاها را رژیم جمهوری اسلامی به زودی خواهد داد.

---

### مرگ قدرت و ترک زندگی

---

حدود ۵ ماه پیش به پیشنهاد یاران شورایی، صاحب این قلم، به عنوان یک حقوقدان، با کارشناس عالی رتبه‌یی که در مورد شرایط

حقوق بشر در ایران مطالعه می کرد، ملاقاتی داشتم. برایم روشن بود که چنین کارشناسی به درستی به حدود و ثغور موضوع دیدارمان وارد است و می داند که این دیدار اصلاً سیاسی نیست و تنها به موضوع قوانین و تجاوز سیستماتیک به حقوق مردم محدود می شود. من هم یادداشت‌هایی در خصوص معرفی حقوق اساسی، مدنی و کیفری رژیم فراهم آورده بودم تا در مورد آن صحبت کنم و در هر مورد با مستندات گوناگون و ارجاع به مواد مشخص قانونی، وضع را روشن سازم. هنوز دقایقی نگذشته بود که سختم را قطع کرد و پرسید: برای من مسأله آن است که بدانم چگونه می توان برای آنها [رهبران رژیم] راه خروج آرام و آبرومندانه بی یافت؟ یکه خوردم. اگر مخاطب من آدم ناوارد و بی اطلاعاتی بود، جای شگفتی هم باقی نمی ماند. اما موضوع مذاکرات، موقعیت دو طرف و حدود صلاحیت و اختیارات هریک از ما دونفر کاملاً شناخته شده بود. ملاحظاتی مانع از آن شد که به او تذکر بدهم تا به دستور جلسه بپردازد. ناچار گفتم: همه می دانند - و گزارش‌های مراجع معتبر بین المللی حکایت دارد - که این موجودات سالهاست مستقیماً در دهها هزار قتل و صدها هزار تجاوز به جان، آزادی، شرف و مال مردم دخالت داشته اند. حال اگر معجزه‌ی رخ دهد و تصمیم به ترک قدرت بگیرند و بخوانند از مسند خود دل کنده و به گوشه‌ی خانه بسنده نمایند، قطعاً در فاصله‌ی ترک مسند تا رسیدن به منزل از آتش انتقام مردم مصون نخواهند ماند. در چنین شرایطی آیا آنها به حکم غریزه حفظ نفس تا آخرین دم از سنگر قدرت، یعنی تنها و آخرین وسیله حفظ جانشان دفاع نخواهند کرد؟ ترک قدرت و ترک زندگی برای آنها همزمان خواهد بود. بنابراین ادامه حیات آنها در گرو استمرار قدرت آنان است و حفظ قدرت را تنها سرکوبی تضمین خواهد کرد. به این ترتیب پاسخی برای سؤال شما نمی توانم داشته باشم. پاسخ مسالمت‌آمیز به نیاز جامعه، یعنی تسلیم شدن به اعمال اراده آزاد مردم از طریق صندوق رأی خواست کاملاً درستی است، اما آرزوهای ما نیستند که بر جهان حکومت می کنند، این واقعیت‌های خارجی هستند که ملت ما را به «قیام علیه ظلم» ناگزیر کرده اند. بنابراین من اکنون ترجیح می دهم به ادامه گزارش حقوقی خود بپردازم. و دنباله کار خود را گرفتیم. نداعی این خاطره مرا به یاد ذوق زدگی «مردان سیاست» انداخت.

#### قوریاه و قناری

مسئول شورای ملی مقاومت ایران به درستی در اطلاعیه مورخ ۳ خردادماه خود به درستی خطوط اصلی بازیهای جدیدی را بر ملا کرد، به نظر او، «با برهم خوردن تعادل درونی رژیم، فیل استحاله و مذاکره و مسالمت و مماشات صاحبان منافع بین المللی و بقایای ایران گیت مجدداً یاد هندوستان خواهد افتاد». در این جا تنها به یک نمونه از تلاشهایی که بی.بی.سی با به میان کشیدن «مردان سیاست» اهل مسالمت به این بازی شروع کرده است، نگاهی می اندازیم.

«اندیشه قرن» و مظهر فروتنی، که مذهب‌تست قیای اولین ریاست جمهوری رژیم را زینت بخش وجود مبارک فرموده و در عین حال با موضوعی بارزکردنی به ستایش کارنامه وجود ذبیحود خود اشتغال دارند، از دستپاچگی و هول هلیم به دیگ افتاده اند و خرقه گرانقدر «مشروعیت» خود را به عنوان میراث به هفتمین رئیس جمهور این رژیم هدیه کرده اند و به لفظ مبارک فرموده اند: «جامعه فرصتی پیدا کرد و همان رأی را که ۱۶ سال پیش داده بود، عیناً تکرار کرد». ایشان این انتخاب را «حاصل وجدان جمعی در ایران» دانسته اند. این سید بی عمامه، که از جمله انتخاراتش مشارکت فعال در بسط نظریه ولایت فقیه و جا انداختن آن در مجلس خبرگان و در متن قانون اساسی است، در همین حال قادر است روی یک وجب جا هفت معلق بزند و عقایدش را مانند جورابش هر وقت که مصلحت بداند عوض کند. بنابراین اگر روزی در بدل و بخشش خرقه خود احساس غبن کرد، می تواند حتی از فردای بخشش خرقه خود، به استاد «از دبه کسی ضرر نکرده»، سید خاتمی را از عرش اعلی به حبس بکشاند و به این ترتیب «حاصل وجدان جمعی» را باطل اعلام کند.

احسان نوائی که هرگز ساواکی نبوده و مأمور جمهوری اسلامی هم نیست و هیچ وقت به کار دلالتی در رژیمهای شاه و شیخ اشغال نداشته، بلکه در هر دور رژیم مظهری از شرافت و پاکدامنی شمرده می شده است و می شود، این گوهری بی بدلی هم سر از پا نمی شناسد و می فرماید «این سیل خروشان که از مردم آمدند و در حمایت از ایشون رأی دادند، این یک اتفاق بی سابقه بود برای جهان خارج هم، هم چنین این یک واقعه مهمی از لحاظ تاریخی است».

پاپک امیرخسروی بی نیاز از توصیف را بی.بی.سی «از جنبش چپ» می شناساند. لاید، چون عمری را در حزب توده استخوان خرد کرده است. خوشبختانه حالا، سر پیری، چندین سال است در مبارزه مسالمت‌آمیز با آخرت‌ها پیش کسوتی می کند. او هم به اعتبار سوابق مشعش و شخصیت نادرش، چوب ملامت را برداشته و بر سر و کله همه می زند که «تمام این جریان‌هایی که

متأسفانه اکثریت سازمانهای سیاسی خارج کشور و شخصیتها انتخابات را تحریم کردند ، معلوم است که اینها از واقعیت جامعه ایران هیچ اطلاعی ندارند» و بعد نتیجه می گیرد: «معلوم می شود در همین جمهوری اسلامی هم می شود با پیکار سیاسی مسالمت آمیز به نتایج معین و مثبتی رسید».

— فرزند حلال زاده سیاسی بابک امیرخسروی ، فروغ نگهدار (اکثریتی) هم از طریق بی.بی.سی دموکراسی را کشف کرده است . او را ، — که تصور می کند دانش از جاسوسی «مسالمت آمیز» برای رژیم جمهوری اسلامی ایران میرا می باشد و اصولاً هیچ نوع ارتباطی با مقامهای سفارت ایران در برلین نداشته است. همه می شناسند . آخرین رفتارهای پرملاشده همدستان او در مذاکراه با رژیم هنگام رسیدگی اولیه در دادگاه میکونوس ، شهره خاص و عام است و موجبات معروفیت بیشترش را فراهم آورده است . این شخصیت بزرگ هم سر از پا نمی شناسد و در پاسخ به سؤال بی.بی.سی می فرماید «معنای دموکراسی را این طور می فهمم و این اولین بار بود که انتخاباتی در ایران انجام گرفت که رأی مردم معنی معین داشت که اهمیت این پیروزی این است که تمام مردم یک انتخاب داشتند و آن هم اختناق کمتر و آزادی تاحدی که دستشان می رسد». خوب درسش را در مکتب «پدرکیا» نخوانده است؟

— بیژن حکمت ، که ابدأ وجودش در بی.بی.سی بی حکمت نیست ، از معرفی کنندگان جمهوریخواهان ملی است . او که همیشه سربرنگاه آماده خدمت است ، با دمش گردو می شکند و امیدوار است که سید خاتمی «واقعاً با تمام قدرتی که دارد و با این قدرتی که ملت در پشت ایشون نشون داده ، راه را برای آزادی بیشتر توی جامعه بگشایند» . یعنی آزادی هست و این «سیاست مرد» بیشترش را مطالبه می کند. معلوم نیست چرا آقایون به تهران نمی رود تا همراه فراموشی ، به مرشد آزادیخواه امروز خود برای کمک به بسط آزادیها مدد برسانند؟ و معلوم نیست چرا هیچ کدام از این عناصر ، از سوابق درخشان خاتمی در خدمت به فرهنگ طی ۱۰ سال وزارت او یادی نکرده اند . چرا از زندانیان سیاسی ، روشنفکران و نویسندگان به قتل رسیده ، ربوده شده و تحت تهدید نامی به میان نیاوردند؟ چرا نقشگران زندانی را فراموش کردند؟

مقاومت ایران در مقابل این نمایشها تنها یک پاسخ شایسته دارد. پدوران ما با تنبیه سیدفضل الله نوری در ۸۰ سال قبل به ما آموختند که شیخ را باید به سراغ شاه فرستاد . اگر آن روز ارتش آزادی وجود نداشت ، امروز برپا و برجاست و پشتوانه خود را در درون جامعه ایران دارد . ملت ما زنده و بالنده آماده است تا فرزندان شیخ فضل الله را به عدالت بسپارد . تسلیم طلبان ، سازشکاران ، همدستان داخلی و خارجی این رژیم و آنانی که برای استمرار حیات شوم این آدمکشان ، وسیله فراهم می آورند ، به خاطرشان باشد که «دندان مار قبضه خنجر نمی شود» و آنان نمی توانند با بوسه زدن بر تعلین خونخواران ، قوریاغه را رنگ کرده و به جای قتاری بفرستند .